

## گردونه‌های آیین بودا سرودی به زبان ختنی

مهشید میرفخرایی

تفکر در مسائلی که ورای دید آدمی است و رسیدن به کمال آدمیت و سیر مراحل معنوی در همه آیینها و ادیان، بویژه آیینهای شرق، نقش اساسی دارد. تجلی این اندیشه در آثار ایران باستان از طریق اشاره‌های کنایه آمیزگاهان و زبان فنی آن، چنانکه باید روشن نیست، اما در پوشش اسطوره‌هایی که پاره‌ای از آنها از طریق آثار باستانی و میانه و برخی دیگر از طریق حماسه‌های فارسی به جای مانده، برما آشکار است و نشان می‌دهد که نیاکان ما پیوسته بدین بُعد از زندگی نیز با دیدی عالمانه نگریسته‌اند.

میان آنچه در ادبیات بودایی در خصوص سیر روحانی آمده است، با آثار عرفانی فارسی همانندیهای فراوانی وجود دارد. بخش مهمی از ادبیات بودایی که از طریق آثار زبان ختنی به ما رسیده، در توصیف این حالت‌های روحانی و بیان ویژگیهای مکتبهای مختلف فلسفی و اندیشه‌های ماوراءالطبیعه است. ترجمه این متن‌ها به فارسی، می‌تواند گوشه‌ای از این شباهتها را روشن نماید و سیر داد و گرفت‌های فرهنگی را مشخص سازد.

آنچه در زیر می‌آید برگردان بخشی از فصل سیزدهم کتاب<sup>۱</sup> زمبستا است که شرح و توصیفی از مکتبها، یا به اصطلاح عرفانی آن، «چرخ یا گردونه»های مهم آیین بودایی است. مراحل و مقاماتی که رهروان این مکتبها باید بپیمایند تا «زنده آزاد» شوند و به «نیروانه» برسند، به مراحل سیر نفسانی در عرفان ایرانی، که در نهایت منجر به فقر و فنا و پیوستن به حق می‌شود، بی‌شبهت نیست.

1. Siddham namasīmā harbiśśā balya dasau diše vīrā ttṛ—a—  
dhva sarvaña hastama śśāstā—ra kye ysamaśśandai trāṇa I
2. dātu namasīmā mahāyā—nu vasutu hastamu rraṣto.  
tcamna biśśā balya tri—adhva balyśūstu hastamo busta. 2
3. biśśā bodhisatva kye jsāna sarva—satvānu hātāyā  
balysūstu hastamo kūśindā ttā aysu namasāmā vaysña 3
4. biśśā ma vā āysda yanīru ka aysu ttāte sūtryo yāna  
drraya pāṣkālstu yanīni kho ni gyasta balya hvatāndā
5. kāmā ttāte yāna drraya sūtro mahāyāni śā hvāṣṭā  
pratyeka—yāni śā śātā yāni u didā śrāvaka—yāni. 5
6. śā mahāyāni kye pīrmo biśśāñe śśāratete jsa māstā  
varā haspāsindā bodhisatva ku balysūstu bvāre. 6
7. kye māsta bāyāte satva hālsto balysūstu varālsto.  
samu kho śśārā bārai māstā kīnthālsto bāyāte hvam'du 7
8. ku ṣṭa avalokitteśvarā āstanna badratapye y(s)āru  
maittraina haṃtsa haspāsāndā ku balysūstu carāndā. 8
9. ku ṣṭa ākāśśaggarbhā u maṣ—nyuśśrī ku ṣṭa rro hatāḍaru ba—  
lyśā śśākymuni carāte ba—lyśūstu ṣei' mahāyāni śā hvāṣṭā .
10. tcamna akṣubhyā armātāyā u vairocāni balysā  
balysūstu hastamo bustā tta rro handara harbiśśā balya II
11. ku ṣṭa rro tto ustamu bvāre pharu bodhisatva balysūstu.

1. R.E.Emmerick, 1966. *The Book of Zambasta, A Khotanese Poem on Buddhism* (London: Oxford University Press).



- ku ṣṭa daso būmā hvañāre vistarna kha ni ye paysendā I
12. kṣāta' pārāmate mulysdā samantabhadṛ vāmūha  
śśūraṃggama māstā samāhāni u praṇāhāna vicittra 12
13. pṛrajñāpārāmata mahā—sandāvātā buddhavalamṭsai.  
sūtrā ṣṭā mahāyānā u—tāri balysūni bārai māstā I
14. ttāri duva yāna ku uysno—ru hamatā parṣtā dukhyau jsa  
ku ṣṭa śśāriputri āstanna pharu parrāta ṣṣāvā hatāro.
15. ku ne ju pharu buljse māstā dīrāṇu tsūmata vanda  
ce ne duṣkara kīre yādā—ndi ttāna hīnā śrāvaka—yāni .
16. tcohora phārre abhiñi jāna kṛsnāyana yāva.  
vinai ātamā avidharmāṣātā hīni śrāvaka—yāni .
17. ne vara balysūste padaṃgya ṣṣei varata nāma ne hvinde.  
crrāma praṇāhāna bodhi-cittiu pārāmate bhūmā. II 7
18. kho ye haspāsāñu kho tceru kho ye thatau butte balysūstu.  
ne vara braṣṭāndi bodhisatva ttāna cu śrāvaka—yānā 8
19. ṣā mahāyāna padaṃgya tta tta bodhisatvā carāñu.  
ttādārā ttātā yāna bihiyu draya śśūjātāna pāṣkālsta 9
20. praśñātaraṇu sūtrū vī—ri tta hvate sarvañi balysā  
kho ju draya nitā ttāhvaindā hastā aśśā sahā cā hamālā
21. kho hastā nātā ttāhvaittā darrōṇa trāyāte satva  
ttrāmu māñandu mahāyāni—na saṃtsāri ttāhvaindā . 21
22. pratyeka—yānāna trāmu samu kho aśśā nitā ttāhvaittā  
pharuī kāḍe khvīhātā ūtca nai rraṣṭo yīndi ttāhvastā 22
23. sahe ju kari ūce ne bu—tte ceri baysga nai bunu.  
skote nāvūñi hāmāte na—randi trāmu samu śrāvaka—yāni
24. pātcu hvate augamo māstu ttāna hamāña sūttāro balysā  
kho ju draya hvāndi barāru kīnthālsto bārā draya 4
25. śśsau hasta—bārai āya ṣātā ju aśśa—bārai āya  
dāddā ju khara—bārai āya hamāña kīnthālsto barāre.
26. hastā māñandā mahāyānāu kharā śrāvaka—yāni.

- prattyeka-yāni kho aśśā baḍe u nirvānā kho kaṃtha. 6
27. kho ye ggaṃggo nitā ttātsaiyi māstā no pharu kāḍe hva'ndi  
ttāmu māñāṃdu mahāyā---ni kho no ggaṃgga kho klaiśa . 27
28. kho ju ysāysino dālysu hve' bañite bendī nāttā.  
ttāna ggaṃggo nitā ttitsaiyi ttrāmu samu śrāvaka-yāni 1
29. kyerā balysā ṣṣāvā rriye kyeri hastarā biśśāna padīna  
ttārā hastari dātā mahāyā---ni kho biśśā śrāvaka-yāni 9
30. kyeri rrvīyā ggūtrā utāri tteri mahāyāni utāri.  
ttāna cu ttāna ggūtriṇa balysa balysūstu hastama busta 30
31. kho ju hārñā ggūtrā biśśānu ṣṣāvānu ggūttārā ttrāmā.  
kvī darro hāruvi hvā'ndi ko tta kei' rruṣṭi yanīmā . 31
32. ttāna ni ttāna ggūttāru ysātā nai māstā rrvīye padaṃje.  
trāmu māñandina mulysgā ṣṣāvānu aysmū hīni 32
33. vinayavainiścayo sūttro ita hvate balysā cu ggaḷa-ggaṇḍā---  
nu pāsā ttu kharā karā pāsu ne buḍu yīndā ttāna cu duṣpā vaṃḍā
34. trāmu māñandā mahāyāni kho ggaḷa-ggaṇḍānu pāsā kharā.  
bataku vindākā pāsā trā---mu samu śrāvaka-yāni. 4
35. cu svarṇā hota pāṣa'ñi ggā---mā uysgani trāma ni īndā.  
cu saruai oṇā bajāṣṣā rrvūvāsā trāmu ne hotte 5
36. cu mahāyāna karittātā māstā bvāmata mulysdi.  
trāmu māñandu nā hotāre ttu hāru ṣṣāvā biśśu 36
37. tterā mahāyānā vasutābrūñāte baṇa śrāvaka-yā-  
ni samu kho urmaysde śrā---vaka-yāni kho khārjūrai rruṣṭā
38. ttāte sūttro autame pharu ṣṣāre cu tte māstā viśśeṣā.  
cu mahāyānā māstā ya---ni hīni śrāvaka-yānā 8
39. ttu aysu ito hvāñimā va---ysṇā kho buro mamā sūtryau pyūṣṭo  
pamjsa sate hamggaśśu dharma vina mahāyānā nā īndi 9
40. sye tcaramu śrāvaka-yāno hārṣṭāyā vāsana niṣṭā.  
ttāna hīni śrāvaka-yānā cu-ṃ jsa ttāte vāsane vāro 40
41. hoda ttāte pracya sūttro. kho bodhi-cittā upāta.



- śsau niśtā śrāvaka-yāno ita tta bodhi-cittā upāta 41
42. tcuryau jsa pracyau vātco puṣṣo bodhi-cittā panašte.  
tcuryau jsa kari ni panašte ttu ye ratnakūlāna butte 2
43. dasau pranihāna kho da— —śabhūmya vistarna hvañāre  
daśśānu būmanu padaṃgya śā ju karā ātamo niśtā 43
44. dasau pārāmate śsau pārāmata ṣṣai ātamo ni—  
śtā kāḍe mahākaraṇa u— —tāra biśśā satva vīri hamamṅga
45. drrai asaṃkhiya karittātā cu kari ṣṣāvai niśtā . ṣṣā—  
vānu ttanda karittātā se ko parsi dukhyo jsa 45
46. dasau ttāte vaśahe bodhisa— —tvā buddhavalātsiya hvīnde  
śšo tcaramu ṣṣāvai niśtā tti— —na hīni śrāvaka-yāni 6

### موفقیت!

۱- همهٔ بوداهای سه دوره را در ده سو نماز می‌برم. برترین آموزگاران همه - دان را که دژهای جهان هستند.

۲- قانون مَهایانَهٔ<sup>۱</sup> (Mahāyāna) پاکِ والایِ راست را نماز می‌برم که به وسیلهٔ آن

۱. در منابع بودایی، همه جا، از دو تیره یا مکتب بزرگ و مهم نام برده می‌شود. مَهایانَه (mahāyāna) و هی نایانَه (hīnā-yāna) یا تَز وادا (theravādā). واژهٔ مَهایانَه مرکب از دو جزء - mahā «بزرگ» و yāna «رهبری و هدایت» است که رویهم به «گردونه یا چرخ بزرگ» معنی می‌شود. در آیین بودا «گردونه»، راه رسیدن به آگاهی و گریز از تسلسل و باز پیدایی است. هی نایانَه نیز مرکب از دو جزء - hīnā «کوچک» و - yāna است که رویهم «گردونه یا چرخ کوچک» معنی می‌دهد. این عنوان را مکتب مَهایانَه برای مکتب تَز وادا متداول کرده است، چه آن را از نظر تعلیمات در مرحلهٔ پایین‌تری از خود تصوّر می‌کند. به گردونهٔ کوچک، گردونهٔ شنوندگان یا شاگردان (Śrāvaka.yāna) نیز می‌گویند. مقصود از شنوندگان تنها آنانی هستند که «قانون را از زبان بودا شنیده‌اند». پس باید مکتب تَز واداکهن تر و اصیل تر از مَهایانَه باشد.

اختلاف این دو مکتب فراوان است و مهمترین آنها عبارت است از:

- در مکتب تَز وادا، راه آزادی و نجات فقط برای برخی گشوده است، یعنی برگزیدگان می‌توانند در طول زندگی به نیروانَه برسند و زنده آزاد شوند، اما مَهایانَه معتقد است انسان برای آنکه بتواند عطش تمایلات خود را فرو نشاند، بایستی در آغاز راه، از فضایل اخلاقی و معرفت بودی ستوه‌ها بهره‌مند گردد و راه صعودی آنها را بییابد، راهی که برای همه باز است.

- مکتب تَز وادا بودا را موجود اساطیری و الهی نمی‌داند، بلکه انسانی چون دیگران می‌پندارد. پیروان این مکتب، بودا را از این جهت سزاوار نیایش می‌دانند که راه نیروانَه را به انسانها آموخته و خود نیز در



همه بوداهای سه دوره، بهترین آگاهی (bodhi-) را دریافتند.

- ۳- همه بودی ستوه<sup>۱</sup> (Bodhi- sattva-) ها را - که برآستی برای خوبی همه آفریدگان بهترین آگاهی را می‌جویند - من، اکنون، آنان را نماز می‌برم.
- ۴- باشد که همه مرا ببینند، اگر من بتوانم بنابراین سوتزه<sup>۲</sup> (Sūtra-) ها، سه گردونه را، آن گونه که ایزدان بودا درباره آنها گفته‌اند، تفسیر کنم.
- ۵- این سه گردونه در سوتزه کدامند؟ مهاییانه نخستین، پرتی اگه‌یانه<sup>۳</sup>

این جهان به رهایی رسیده است. پیروان مهاییانه به چنین تعبیری عادی از بودا اکتفا نمی‌کنند. آنها در روند روشنائی و بیداری بودا، واقعیتی را می‌بینند که در ژرفای قلبشان تأثیر می‌گذارد.

- مکتب تزوادا واقعیت وجود انسان را مرکب از ترکیبات گذران عناصر ناپایدار (skandha: جسم، احساس، ادراک، تأثرات ذهنی و آگاهی) می‌داند و واقعیت عینی و ذهنی جهان را می‌پذیرد، ولی مهاییانه بدین نتیجه می‌رسد که نه فقط «خود» یعنی واقعیت ثابتی وجود ندارد، بلکه واقعتهای عینی نیز به همان ترتیب غیرحقیقی هستند و خلأیی (sunya-) بیش نیستند.

- نکته دیگری که اهمیت فراوان دارد، ایجاد دانش اساطیری مفصل و دامنه‌دار در مهاییانه است که نظیر آن در مکتب تزوادا دیده نمی‌شود. بوداها در گذشته بوده‌اند و خود بودا «شاکيامونی» پیش از آنکه بدین جهان ظاهر شود، بودی ستوه‌ای بوده که در فردوس توشیتا (tuṣitā-) می‌زیسته است. شاکيامونی می‌گوید: «من حلقه‌ای در سلسله بیشمار بودا ها هستم، بوداهای بسیار پیش از من بوده‌اند و بوداهای بسیاری نیز پس از من خواهند بود».

- و سرانجام پیروان مکتب تزوادا واقعیت اشیاء خارجی را می‌پذیرند و مهاییانه تنها به اصالت ذهنی و واقعتهای جهان اعتقاد دارد.

۱. بودی ستوه (bodhi.sattva): مرکب از دو بخش bodhi-: «خرد و دانایی» و sattva-: «جوهر و وجود» است. بودی ستوه کسی است که وجود یا جوهرش خرد و دانایی است. یکی از ویژگیهای مکتب مهاییانه عبادت و پرستش این بودی ستوه‌ها یا بوداهای آینده است. بودی ستوه‌ها موجودات اسطوره‌ای هستند و از جسم نورانی (sambhogakāya) بوداها بهره دارند و جایگاه آنان بهشت توشیتا است. آنان پیامرانی را که سرنوشت انسان را در دست دارند، برای نجات مردم به زمین می‌فرستند. بودی ستوه‌ها میانجیهایی هستند که امکان رسیدن به مقام نیروانه را برای مردم فراهم می‌سازند.

۲. سوتزه (sūtra-) از ریشه siv- به معنی «دوختن» است و خود واژه «رشته و ریسمان» معنی می‌دهد. در آیین بودایی نگارش مبانی فلسفی را به صورت بیتها و سوره‌های بسیار کوتاه و مختصر سوتزه گویند.

۳. پرتی اگه (بوده) یانه (Praty.eka. (buddha).yāna-): واژه مرکب از پیشوند Prati-praty-: «فرا و پیش»، -eka-: یک، -buddha-: بودا و -yāna-: گردونه است و رویهم به «بودایی که در انزوا زندگی می‌کند و رهایی و نجات را تنها برای خود می‌جوید»، اطلاق می‌شود.

در غالب آثار بودایی، افزون بر دو گردونه بزرگ و کوچک، از گردونه پرتی اگه یانه نیز نام برده می‌شود. اما در پاره‌ای دیگر، تنها از یک گردونه (eka.yāna-) سخن رفته است.



- (Pratyekayāna) دوّمین و شیروا که یانه (Śravakayāna) سوّمین است.
- ۶- این مهاییانه است که در جایگاه نخست، به سبب همه خویبها، بزرگ است. بودی ستوه‌ها می‌کوشند تا آگاهی را آنجا دریابند.
- ۷- جایی که آفریدگان بزرگ را به آگاهی راه می‌نماید، همان گونه که باره بزرگ خوب، مرد را به شهر می‌برد.
- ۸- جایی که هزار بودی ستوه بندزه کلهه<sup>۱</sup> (bhadra kalpa)، از اولوکیشتوزه<sup>۲</sup> (Avalokiteśvara) گرفته، مهربانانه می‌کوشند تا با یکدیگر آگاهی را دریابند.
- ۹- جایی که آکاشه گربه (Ākāśagarbha) و منجوشری (Mañjuśrī)، جایی که بودا شاکیه مونی (Śākyamuni) نیز پیش از این آگاهی را شناخت. این مهاییانه، نخستین [گردونه] است.
- ۱۰- که با آن اکشوییه (Akṣobhya)، آمیتایوس (Amitāyus) و بودا ویروچنه (Vairocana) بهترین آگاهی را دریافت و این چنین نیز همه بوداهای دیگر<sup>۳</sup>.

۱. بندزه کلهه (bhadra.kalpa): مرکب از bhadra: «خوب، عالی، غریز» و -kalpa: «عصر، دوره» است و رویهم به مفهوم «دوره یا عصر کنونی» است. برای آگاهی بیشتر از چهار دوران و ویژگیهای آنها ← مهشید میرفخرایی، (آذر ۱۳۶۹)، «مقدمه‌ای درباره نظریه یوگاها» چیتا، سال(۸)، ش ۳، صص ۳۶۹-۳۷۴.
۲. اولوکیشتوزه (Avalokiteśvara): مرکب از Avalokita: «کسی که نگاه می‌کند» و -śvara «خدا» ست و رویهم به معنی «خدایی است که با ترجم و مهربانی نگاه می‌کند».
- الهه مادر (magna mater) که در تمدنهای ما قبل آریایی ایران، هند و بین‌النهرین پرستش می‌شد، بر اثر یک سلسله دگرگونی به صورت خدایان بودایی اولوکیشتوزه و بودی ستوه درآمد. در سنت بودایی، همین الهه مادر به صورت «خدای نیلوفر به دست» و بعد بودی ستوه یا بودای بالقوه درآمد. اولوکیشتوزه، سپس در مکتب مهاییانه به الهه‌ای معروف به پرچناپارامیتا (Prajñā.pāramitā) تبدیل شد که عالیترین مقام خرد و فرزاندگی است. این الهه ذات و حقیقت همه بوداهاست و معرفت ممتازی (Prajñā) است که انسان را به بالاترین فضایل اخلاقی (Pāramitā) که به فنا (Samādhi) و نیرواته (Nirvāna) می‌انجامد، راهبر است. اولوکیشتوزه بودی ستوه‌ای است که به مقام بودایی نمی‌رسد چه در انتظار است که آخرین ذره هم رها شود.
۳. در مکتب مهاییانه مفهوم یکتاپرستی نیز دیده می‌شود. بنابراین مفهوم، همه بوداها تجلیات بودای نخستین (Ahi.buddha) هستند. این بودا «خود پرورده» و «قائم به خویش» (svayambhū) است و همواره در نیرواته به سر می‌برد و روشنایی محض است. او با قوه تفکر و شهود خود پنج بودا پدید



۱۱- نیز جایی که بودی سَنَوَه‌های بسیاری در آینده آگاهی را خواهند شناخت؛ جایی که ده مقام<sup>۱</sup> (bhūmi-)، جزء به جزء، آموخته می‌شوند تا آنکه شخص آنها را

می‌آورد که آنها را «بودای تفکر و مراقبه» (dhyāni.buddha-) می‌گویند و عبارتند از: ویروچنه (Vairocana-)، آکشبویه (Akṣobhya-)، را تنه سم بسوه (Ratnasambhava-)، امسی تابه (Amitābha-) و آموگه سیده (Amogāsiddha-)، این پنج بودا نیز بترتیب چهار بودی سَنَوَه به وجود می‌آورند که آنها را «بودی سَنَوَه تفکر و مراقبه» (dhyani.bodddhi.sattva-) می‌گویند و عبارتند از: سَمْتَنَه بَدْرَه (Samanta.bhadra-)، وجرپانی (Vajrapāni-)، آوالوکیته (Avalokita-) و ویسوپانی (Viśvapāni-)، این چهار بودی سَنَوَه پروردگاران جهان طبیعی هستند و آفرینش آنان ناپایدار و فانی است. سه آفرینش پیشین از میان رفته‌اند و اینک عصر آفرینش بودی سَنَوَه چهارم، یعنی آوالوکیته است و بودای محافظ این آفرینش امی تابه است. بودای آموزنده این عصر آفرینش که تجسم یافته و ظاهر شده است، بودای شاکیامونی است.

۱. واژه بومی (bhūmi-) در اصل به معنی «زمین، خاک، لایه و طبقه» است. در مکتب یژوادا یا هی نایانه طریق رسیدن بودی سَنَوَه به مقام بودا به کمک راه هشت‌گانه انجام می‌پذیرد، ولی در مکتب مه‌ایانه این طریق هشت‌گانه به مقامات ده‌گانه تبدیل می‌شود که عبارتند از:

الف. مقام سرور و شادی (pramudita-) که در آن بخشش و ترحم (dāna-) بودی سَنَوَه‌ها متجلی می‌شود.

ب. مقام پاک‌ی (vimalā-) که در آن تهذیب اخلاقی (sīla-) بودی سَنَوَه‌ها ظاهر می‌شود.

ج. مقام تجلیات صبر و بردباری (kṣānti-) است. در این مرحله بودی سَنَوَه از خشم و نفرت آزاد می‌گردد.

د. مقام درخشان و فروزان است که در آن همت معنوی (vīrya-) ظاهر می‌شود و بودی سَنَوَه بر نفس و خود آگاهی خویش پیروز می‌شود.

ه. مقام تسخیر ناپذیر بودن است. در این مرحله نیروی مکاشفه و حالتهای مراقبه (dhyāna-) ظاهر می‌شوند و بودی سَنَوَه به ژرفای چهار حقیقت شریف بودایی پی می‌برد. این حقایق عبارتند از:

- هر آنچه به هستی می‌گراید محکوم به رنج و درد بی‌پایان است.

- بداء این رنج تولد و پیدایش است.

- متوقف کردن گردونه مرگ و زندگی سبب رهایی از رنج خواهد بود، پس باید این رنج را

فروشانند.

- راهی که به سوی آزادی مطلق می‌رود هشت‌گانه است. (اشاره به هشت مقام بودی سَنَوَه در مکتب هی نایانه است.)

و. مقام ششم را «روبه سوی بودا گردانیده» (abhi.mukhī-) می‌گویند. در این مرحله معرفت متجلی می‌شود و بودی سَنَوَه به حقیقت سلسله علل و معلولها پی می‌برد.

ز. مقام هفتم را «دور رو» (duran.gamā-) می‌گویند که جمع مقامهای پیشین است. خرد بودی سَنَوَه به اوج قدرت معنوی و منتهای کمال می‌رسد ولی بودی سَنَوَه هنوز انسان است و نه خدا.

ح. مقام سکون و بی‌حرکی (achalā-) است. در این مقام بودی سَنَوَه از دریای باز پیدایی رها می‌شود و به حقیقت ژرف عدم پیدایش اشیاء پی می‌برد.







بشناسد.

۱۲- شش فضیلت<sup>۱</sup> (Pāramitā-)، آمرزش، نجاتهای سَمَتَه بَدْرَه (Samantabhadra)<sup>۲</sup>، شوژم کامه سَمادی<sup>۳</sup> (Sūramgāma<sup>۴</sup>-samādhi) بزرگ و پَرَنی دانه<sup>۵</sup> (Pranidhāna-) های گوناگون.

۱۳- پَرَجنا پارمیتا<sup>۶</sup> (Prajñāpāramitā)، مَها سَمَنی پاتَه<sup>۷</sup> (Mahāsamnipāta) و سوتره<sup>۸</sup> بودا وَ تَم سَگَه<sup>۹</sup> (Buddāvataṃsaka).

۱۴- اینها دو گردونه [دیگر] است: پَرَتی اِکَه بُو دِیَانَه (Pratyekabuddhayāna) جایی که انسان [فقط] خودش از بدبختیها می‌گریزد و شِراو کَه یَانَه (Śrāvakāyana)، جایی که

ط. مقام «نیک سرشتان» (sadhumatī-) است، زیرا بودی سَتَوَه در این مقام کاملاً پاک است. او در این مقام به آرامش شخصی اکتفا نمی‌کند و می‌کوشد همه موجودات از آرامش و پاکی برخوردار شوند. ی. مقام دهم را «اَبَر آیین» (dharma.megha-) می‌گویند. در این مرحله بودی سَتَوَه به معرفت بودایی رسیده است و خود مبدل به ابر و میخ می‌شود که باران رحمت و ترحم به زمین می‌افشاند تا گردد و غبار پلیدیها پاک شود و انسان از دریای ناپیدا کرانه بازپیدایی رها گردد. (مقام نهم و دهم خاص مکتب مَهایانَه است.)

۱. پارمیتا (Pāramitā-) : مرکب از -pāra از ریشه -prī «گذشتن و عبور کردن» و -ita از ریشه -i: «آمدن و رسیدن» است و رویهم به مفهوم «کسی است که به ساحل رسیده و یا از دریای بازپیدایی (Samsāra-) گذشته و به آرامش نیروانده رسیده است». این واژه در کاربرد صفتی به مفهوم «به نیروانده پیوسته» و در کاربرد اسمی به معنی «فضیلت» است. فضایل شش‌گانه بودی سَتَوَه‌ها عبارتند از: بخشش و ترحم (dāna-)، همت و نیروی معنوی (virya-)، تهذیب اخلاق (-śīla)، صبر و بردباری (-kṣānti)، تفکر و مراقبه (-dhyāna) و خرد و فرزاندگی (-Prajñā).
۲. سَمَتَه بَدْرَه (Samanta.bhadra) : مرکب از -Sam : هم، -anta : بسته، -bhadra : خوشبخت و کامیاب و رویهم به معنی «کاملاً خوشبخت»، و نام یک بودی سَتَوَه است.
۳. سَمادی (sam.ādhi-) : مرکب از -sam : هم و -ā.dhi : اندیشیدن و تفکر کردن بر، چهارمین و آخرین مرحله تفکر و مراقبه یعنی «فنا» است.
۴. شوژم کامه (Sūram.gāma-) : مرکب از -sūra : نیرومند و قوی و -gāma از ریشه -gam : آمدن و رویهم به معنی «نیرومند آمده»، نام یک بودی سَتَوَه و نیز نام سوتره‌ای است.
۵. پَرَنی دانه (pranidhāna-) : مرکب از پیشوندهای -pra : فرا و پیش، -ni : فرو و پایین و ریشه -dhā : گذاشتن، رویهم به معنی «فرا نهاده» است و منظور از آن تمرکز و مراقبه شدید است.
۶. پَرَجنا پارمیتا (Prajñā.pāramitā-) نام تفسیری است که ناگرجونا (Nāgarjuna) فیلسوف بزرگ مکتب مَهایانَه نوشته است.
۷. نام دو اثر یا سوتره آیین بودایی است.



- شنوندگان بسیاری، از سَری پوترة<sup>۱</sup> (Śariputra) گرفته، زمانی نجات یافت.
- ۱۵- جایی که فضیلت‌های بزرگ بسیاری نیست. [سومین گردونه] کار خرد ضعیفان است که کارهای دشوار نکرده‌اند. بنابراین سَراو که یانه «کوچک» [خوانده] می‌شود.
- ۱۶- چهار مرحله<sup>۲</sup> [دوران بودائیت]، اَبی چنا<sup>۳</sup> (abhijñā) ها، [چهار] دیانَه<sup>۴</sup> (dhyāna)، تا به [ده] کِرَتسِنایِتَنَه (Kṛtsnāyatana)، [سه] وَنیَه

۱. در آغاز، پنج مرتاض آیین بودایی را پذیرفتند و اولین اعضای جامعه بودایی (sangha) را تشکیل دادند. از آن پس بر تعداد مریدان و پیروان بودا افزوده شد. بودا راهبانی به اطراف هند فرستاد تا آیین او را ترویج کنند و راه‌گریز از مرگ را بدیشان بنمایانند. مشهورترین شاگردان نخستین بودا که عنوان Agra.śrāvakas: «شاگردان اصلی» را دارند. سَری پوتَه (Sariputta) و مَوگَلانَه (Moggallāna) هستند که حقیقت بودایی را از زبان راهبی به نام اَسجی (Assaji)، یکی از پنج مرید اولیه بودا، فراگرفتند. سخنان اَسجی آنچنان روشنایی در دل ایشان افکند که بی‌درنگ این حقیقت اساسی بودایی را- «هر آنچه به هستی گراید محکوم به زوال و نیستی است»- درک کردند. از مریدان مشهور دیگر بودا که عنوان Mahā.śrāvakas: «شاگردان بزرگ» را دارند، کَشِیَه (kaśyapa) و اَنَدَه (Ananda)، پسرعموی بودا، هستند.

۲. برای رسیدن به مقام بودایی، باید چهار مرحله یا دوران را گذرانید که عبارتند از:  
الف. srota-āpana: رسیدن به رودخانه. ب. sakṛd-āgāmin: فقط یکبار بازگشتن ج.  
an.āgāmin: نیامدن، نرفتن، بازنگشتن د. arhat: زنده آزاد، یعنی بودایی که هنوز نامزد رسیدن به نیرواته است.

۳. اَبی چنا (abhijñā): مرکب از پیشوند -abhi: به، به سوی و -jñā: دانستن، و رویهم به معنی «علم و درک فوق طبیعی بودا» است که به پنج صورت متجلی می‌شود:

الف- هرگونه شکل دلخواهی را گرفتن ب- از هر فاصله‌ای شنیدن ج- از هر فاصله‌ای دیدن د- به افکار مردمان نفوذ کردن ه- موقعیت و پیشینه آنان را دانستن

۴. دیانَه (-dhyāna): بودی سَنَوَه‌ها با مراقبه و تفکر (-dhyāna) چهارگانه، آخرین درجه خرد و فرزاندگی را به دست می‌آورند: الف. مراقبه اول مبتنی بر این است که جهان را عاری از جوهر و اصل ثابت پنداشت، یعنی نخست متوجه شد که جوهری وجود ندارد و اشیاء متمایز به صفات کلی و جزئی هستند و جسم سایه‌ای بیش نیست و ناپایدار و پراز رنج و ناپاکی است و سپس این حقایق را آغاز کار قرار داد و بدین وسیله به خاموشی افکار رسید. ب. مرحله دوم مراقبه مبتنی بر معاینه است و این مقام افرادی است که چون به بی‌جوهری اشیاء و عدم جزء و کل بودن و ناپایداری وجود و عدم و در عین حال وجود عدم پی‌بردند، از این مرحله نیز فراتر روند و به تفکر و مراقبه درباره صفات و معانی این حقایق بپردازند. ج. مراقبه‌ای است که در آن ذهن متوجه می‌شود که دوگانگی مظاهر، زائیده نیروی خیال است، پس واقعیت مطلق یا آنچنانی (-yathā.bhūta) را موضوع مراقبه قرار دهند.

د. چهارمین درجه این مراقبه‌ها، مقام نیرواته است که ذهن در آن به مقام آنچنانی یا واقعیت مطلق (-tathatā) می‌رسد و خلاء و تهی بودن همه عناصر حیات تحقق می‌یابد و ریشه و منشاء تسلسل



۱ (Vinaya)، آگمه<sup>۲</sup> (Āgama)، آبی دَرَمَه<sup>۳</sup> (Abhidharma): این گردونه کوچک [یا] شِراوکه یانه است.

۱۷- آنجا [هیچ] نمودی از آگاهی نیست. آنجا، حتی، نامی از پرنی دانه (Pranidhāna) ها [یا] تفکر بودایی (bodhicitta-) و پارامیتا (Pāramitā) ها [یا] بومی (bhumi) ها گفته نمی‌شود.

۱۸- چگونه آدمی باید بکوشد، چگونه آدمی باید رفتار کند تا زود آگاهی را دریابد. آنجا، بودی سَنُوَه‌ها پرسش نکرده‌اند، چه این گردونه شِراوکه یانه است.

۱۹- این نمود در مَها یانه هست. بنابراین بودی سَنُوَه باید عمل کند. این سه گردونه این اندازه زیاد با یکدیگر تفاوت دارد.

۲۰- بودای همه- دان در سوتره پُرشَنه و یا کَرَنه (Prašnavyākaraṇa) چنین گفت: زمانی که [این] سه- فیل، اسب و خرگوش- با هم از رودخانه می‌گذرند.

۲۱- همانگونه که فیل از رودخانه می‌گذرد [و] موجودات را با شجاعت گذر می‌دهد، به همان ترتیب [موجودات] با مَها یانه از دریای باز پیدایی<sup>۴</sup> (Saṃsāra-) می‌گذرند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله فصل

زبان‌شناسی

شماره مسلسل ۱۷

تأثرات ذهنی (vāsanā-) از بین می‌رود و ذهن آرام می‌گیرد و این مقام نه مرگ است و نه نابودی. آن را بدان جهت مرگ نمی‌توان گفت که تولد نابودی و زایش نوی نیست و نابودی از آن جهت که فقط عناصر ترکیبی رو به نیستی و زوال می‌گذارند.

۱. وِتیه (Vinaya): رساله‌هایی دربارهٔ رهبانیت و آداب و رسوم بوداییان است که پس از مرگ بودا در شورایی از مریدان و برگزیدگان نزدیک وی تدوین شده است.

۲. آگمه (Āgama): مبانی فلسفی سه مذهب بزرگ آیین هندو یعنی شیوایی، تانترا (= شاکتی) و ویشنوئی مبتنی بر آثاری است که به آگمه معروف است. پیروان مذهب شیوایی معتقدند که آگمه‌ها پس از وداها مهم‌ترین آثار مقدس هستند.

۳. آبی دَرَمَه (abhidharma): هفت رسالهٔ الهی آیین بودایی است که مطالب و امور مربوط به آیین را شرح و بررسی می‌کند و به تفسیر و تعبیر آنها می‌پردازد.

۴. سَمَساره (Samsāra): مرکب از پیشوند sam-: «هم» و -sāra از ریشه -sṛ: «جریان داشتن»، رویهم به معنی «هم رفتن» و در مفهوم «حالت‌های متوالی به خود گرفتن» است. مراد از سَمَساره پیدایش‌های بی‌دری و جریان مداوم حیات در دگرگونی‌های گوناگون است.



۲۲- پس با [گردونه] پرتی اِکَه‌یانه، بدین ترتیب تنها اسب از رودخانه گذر می‌کند. آب، بسیار زیاد، به وسیله او می‌آشوبد. [اسب] نمی‌تواند مستقیم از آب گذر کند.  
 ۲۳- خرگوش، براستی، [چیزی] از آب نمی‌داند که چه اندازه ژرف است [و] نه بُن آن را لمس می‌کند. برای او، نه از روی ناپاکی، بیرون رفتن [از آب] ممکن است. تنها شیراَوَکَه‌یانه این‌گونه است.

۲۴- سپس، بودا، در همان سوتره، از یک تمثیل بزرگ گفتگو کرد: درست مانند آنکه سه مرد - سه سوار - به سوی شهری برانند.

۲۵- شاید که یکی فیل سوار باشد، شاید که دومی اسب سوار باشد و شاید که سومی خر سوار باشد. به سوی همان شهر برانند.

۲۶- مه‌ایانه مانند فیل و شیراَوَکَه‌یانه مانند خر است. پرتی اِکَه‌یانه مانند اسبی که می‌برد و نیروانه<sup>۱</sup> (Nirvāna) چون شهر است.

۲۷- همانگونه که کسی از رودخانه گنگ می‌گذرد - کشتی بزرگ، [و] مردان بسیار زیاد هستند - به همانگونه، مه‌ایانه مانند کشتی [و] رودخانه گنگ چون ناپاکیها<sup>۲</sup> (Kleśa) است.

۲۸- همانگونه که مردی کلک نبیند، بر آن بنشیند [و] با آن از رودخانه گنگ بگذرد، [گردونه] شیراَوَکَه‌یانه درست این‌گونه است.

۲۹- آن اندازه که بودا از شیراَوَکَه‌یانه پیشی جسته است [و] آن اندازه که از همه

۱. نیروانه (Nirvāna): مرکب از پیشوند nir- «فرو و پایین» و ریشه -vā: «وزیدن و رویهم به معنی فرونشاندن هستی و خاموشی مطلق» است. در آیین بودا، دو تعبیر از نیروانه شده است: الف. گریز و آزادی از ناپایداری مظاهر جهان ب. انقطاع و خاموشی پدیده‌ها و سکوت محض. به طور کلی نیروانه انتها و هدف غایی تعلیمات بودایی است و مستلزم آن است که جوینده حق نخست به واقعیت حق بیدار شود.

۲. kleśa-: (از ریشه -kliś به معنی رنج بردن و درد کشیدن) به معنی درد و رنج و نگرانی است. در آیین بودا عناصر پلید ناشی از اعمال پیشین هستند که خرابیز و شهوات ناخودآگاه انسان را تشکیل می‌دهند. بوداییان به ده kleśa قائل بوده‌اند که سه kleśa به تن یا کردار (آدم‌کشی، دزدی، زنا)، چهار به گفتار (دروغ، تهمت، دشنام، گفتگوی بی‌حاصل) و سه تا به اندیشه (آز، بدخواهی، بی‌دینی) باز می‌گردد.



- راهها بهتر است، هم‌چنان قانون مه‌ایانه از همه شِراو‌که‌یانه بهتر است.
- ۳۰- آن اندازه که خاندان پادشاهی آزاده است، همان اندازه مه‌ایانه آزاده است زیرا بوداها از این خاندان بهترین آگاهی را دریافتند.
- ۳۱- طبقه همه شِراو‌که‌ها، درست مانند طبقه بازرگان است. اگر مرد بازرگانی شجاعت داشته باشد، چنین خواهد اندیشید: «شاهانه عمل خواهم کرد.»
- ۳۲- بدین سبب، [او] در این طبقه زاده نشده است، عاداتهای بزرگ شاهانه ندارد. با چنین همانندی، اندیشه شِراو‌که‌ها محدود و فروتر است.
- ۳۳- بودا در سوْتْرَه وَتِیه وَنِشِچِپَه (Vinayaviniścaya) چنین گفت: «بار فیلهای خوب چیست؟ خر هیچگاه نمی‌تواند این بار را ببرد، زیرا که ناتوان و کوچک است.
- ۳۴- هم‌چنین [گردونه] مه‌ایانه به بار فیلهای خوب مانده است. بارِ خر، کوچک [و] کم است. تنها [گردونه] شِراو‌که‌یانه چنین است.
- ۳۵- کرکس چالاک را نیرو و توانایی عقاب نیست. روباه را غریش نیرومندی چون شیر نیست.
- ۳۶- آنچه نیرو، بینش بزرگ [و] آمرزش در مه‌ایانه است، شِراو‌که‌ها توانایی داشتن مانند این همه چیز [ها] را ندارند.
- ۳۷- مه‌ایانه در برابر شِراو‌که‌یانه آن اندازه پاک می‌درخشد که خورشید. شِراو‌که‌یانه تنها چون نقره می‌تابد.
- ۳۸- این تمثیلهای بسیار در سوْتْرَه هستند. چه تفاوت بزرگی در آن است؟ مه‌ایانه گردونه بزرگ، شِراو‌که‌یانه گردونه کوچک است.

مآخذ

شایگان، داریوش، ۱۳۳۶، ادیان و مکتبهای فلسفی هند، ۲ ج، تهران: امیرکبیر.

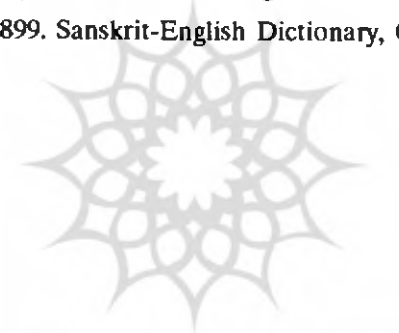
Baily, H. 1978. Dictionary of Khotan Saka, Cambridge:  
Cambridge University Press.

Emmerick, R.E. 1968. Saka Grammatical Studies, London:  
Oxford University Press.

Konow, S. 1932. Saka Studies, Oslo.

Leumann, E . 1936. Das nordarische (Sakische) Lehrgedicht des Buddhismus,  
Text und Übersetzung, Wiesbaden: Lessing Druckerei.

Monier-Williams, M. 1899. Sanskrit-English Dictionary, Oxford:  
Clarendon Press.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی